



Child Rights Journal

2024; 5(20): 75-84

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International Think Tank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Medical Law



The Iranian Association of
Child Rights

The Role of Economic Crises in Society Lead to an Increase in Child Labor

Hana Piri Titkanlo^{1*}, Fatemeh Ghiasi¹

1. Department of Medical Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Working children are a group of minors engaged in economic or labor activities outside their homes. Such activities include a wide range of tasks, from unskilled labor and petty trading to begging and even involvement in real physical work. According to Articles 79, 82, 83, and 84 of the Iranian Labor Law, employing children under the age of 15 is prohibited. Despite these legal restrictions, child labor remains prevalent in many countries due to social, economic and cultural factors. This study aims to explore the concept of child labor, its causes and its physical and psychological consequences within the contemporary social context.

Method: This research was conducted using a descriptive-analytical approach based on legal, social and historical sources. Data were gathered from labor law documents, international reports and social studies on children's rights to provide a comprehensive view of the roots and impacts of child labor.

Results: The findings show that child labor stems primarily from unjust economic and social structures. The main contributing factors include poverty, parental illiteracy, lack of proper supervision and exploitation of children as cheap labor. Working children often suffer from physical harm (malnutrition, chronic fatigue, musculoskeletal disorders), psychological challenges (anxiety, depression, low self-esteem) and social deprivation (exclusion from education and recreation).

Conclusion: Child labor represents a complex and systemic global issue that requires structural economic reforms, equitable legislation and social justice for its resolution. Without establishing social justice and reducing poverty, this phenomenon will continue to persist. Strong family support and effective enforcement of labor laws are key strategies for mitigating and ultimately eliminating the problem of child labor.

Keywords: Society; Child Labor; Social Harms; Government; Governance

Corresponding Author: Hana Piri Titkanlo; **Email:** hana.piri77@gmail.com

Received: August 19, 2023; **Accepted:** November 23, 2023

Please cite this article as:

Piri Titkanlo H, Ghiasi F. The Role of Economic Crises in Society Lead to an Increase in Child Labor. *Child Rights Journal*. 2024; 5(20): 75-84.



انستیتو ملی حقوق کودک ایران



انجمن علمی حقوق بشری ایران



انجمن علمی حقوق کودک ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۸۴-۷۵

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

نقش بحران‌های اقتصادی جامعه در افزایش کودکان کار

هانا پیری تیتکانلو^{۱*}، فاطمه قیاسی^۱

۱. گروه حقوق پزشکی، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودکان کار گروهی از افراد زیر سن قانونی هستند که در خارج از خانه خود به فعالیت‌های اقتصادی یا کارگری مشغولند. این فعالیت‌ها طیف وسیعی از کارها را شامل می‌شود، از کار غیر ماهرانه و خرده‌فروشی گرفته تا تکدی‌گری و حتی مشارکت در کار فیزیکی واقعی. طبق مواد ۷۹، ۸۲، ۸۳ و ۸۴ قانون کار ایران، استخدام کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است. با وجود این محدودیت‌های قانونی، کار کودکان به دلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همچنان در بسیاری از کشورها رایج است. این مطالعه با هدف بررسی مفهوم کار کودکان، علل و پیامدهای جسمی و روانی آن در بستر اجتماعی معاصر انجام شده است.

روش: این تحقیق با رویکردی توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع حقوقی، اجتماعی و تاریخی انجام شده است. داده‌ها از اسناد قانون کار، گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات اجتماعی در مورد حقوق کودکان جمع‌آوری شده‌اند تا دیدگاهی جامع از ریشه‌ها و تأثیرات کار کودکان ارائه دهند.

نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که کار کودکان در درجه اول از ساختارهای ناعادلانه اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شود. عوامل اصلی مؤثر شامل فقر، بی‌سوادی والدین، عدم نظارت مناسب و استثمار کودکان به عنوان نیروی کار ارزان است. کودکان کار اغلب از آسیب‌های جسمی (سوء تغذیه، خستگی مزمن، اختلالات اسکلتی - عضلانی)، چالش‌های روانی (اضطراب، افسردگی، اعتماد به نفس پایین) و محرومیت‌های اجتماعی (محرومیت از تحصیل و تفریح) رنج می‌برند.

نتیجه‌گیری: کار کودکان یک مسأله جهانی پیچیده و سیستماتیک است که برای حل آن به اصلاحات ساختاری اقتصادی، قانونگذاری عادلانه و عدالت اجتماعی نیاز است. بدون برقراری عدالت اجتماعی و کاهش فقر، این پدیده همچنان ادامه خواهد داشت. حمایت قوی خانواده و اجرای مؤثر قوانین کار، راهبردهای کلیدی برای کاهش و در نهایت حذف مشکل کار کودکان هستند.

واژگان کلیدی: جامعه؛ کودک کار؛ آسیب‌های اجتماعی؛ دولت؛ حاکمیت

نویسنده مسئول: هانا پیری تیتکانلو؛ پست الکترونیک: hana.piri77@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Piri Titkanlo H, Ghiasi F. The Role of Economic Crises in Society Lead to an Increase in Child Labor. Child Rights Journal. 2024; 5(20): 75-84.

مقدمه

روش

در یک نظام اجتماعی هنگامی که رفتاری به گونه‌ای چشم‌گیر با هنجار همگانی اختلال پیدا می‌کند و مورد کیفر قرار می‌گیرد، آسیب اجتماعی نامیده می‌شود (۱). پدیده کار کودکان یکی از آسیب‌هایی است که امنیت و آرامش جامعه را تعدیل می‌کند و در آن نابسامانی ایجاد می‌کند و امنیت اجتماعی و روانی شهروندان را به طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ضمن ایجاد ناامنی در جامعه، نابسامانی‌های روانی زیادی را به همراه دارد و آسیب روانی به شهروندان وارد می‌کند. بررسی این پدیده در شهرها برای شناسایی بیشتر مشکلات کودکان و ارائه پیشنهادهاتی در این زمینه برای سیاستگذاری ضروری است. این پژوهش درصدد معرفی ایرادات دولت در نظام سیاسی کنونی است و در نظر دارد آسیب‌های اجتماعی را به عنوان بخش مهمی از چالش‌ها و بحران‌های دولت‌ها در آینده معرفی کند که نیازمند سیاستگذاری صحیح است، به ویژه مشکل کار کودکان که با توسعه شهرنشینی و گسترش کلان شهرها به سرعت رشد کرده است. یکی دیگر از آسیب‌های قابل توجه شهرنشینی در کلان‌شهرها این است که بار هزینه‌های مادی و معنوی مرتبط با رفتارهای غیر عادی و آسیب‌های شبکه بر دوش آن سنگینی می‌کند. این در حالی است که تلاش‌های مستمر مقامات سیاسی، قضایی، پلیسی و دولتی منجر به پیشرفت چشم‌گیر و یا بهبود جزئی در وضعیت نشده است، شکی نیست که اگر راهکارهایی مانند ساماندهی جرم، افزایش نظارت بر رفتار شهروندان و فرهنگ‌سازی در جامعه در کاهش جرائم و آسیب‌های شبکه‌ای مؤثر بود، باید شاهد تحول بزرگی در این حوزه بودیم. این پژوهش با هدف بررسی یکی از مشکلات اجتماعی موجود حکومت در ایران، یعنی شبکه کار کودکان انجام شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با هدف استفاده از مدل‌های فضایی و آماری و سایر ابزارهای تحلیلی برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها و استفاده از داده‌های لازم برای تحقیق انجام شده است. با توجه به اهمیت موضوع حفره‌های دولت و آسیب‌های اجتماعی، سؤالات تحقیق را این چنین مطرح می‌نماییم: شهرها با چه نوعی از مشکلات دولت رو به رو است؟ این پژوهش درصدد معرفی ایرادات حاکمیت در نظام سیاسی کنونی است و در نظر دارد آسیب‌های اجتماعی را به عنوان بخش مهمی از چالش‌ها و بحران‌های دولت‌ها در آینده معرفی کند که نیازمند سیاستگذاری صحیح است.

یافته‌ها

۱. مفاهیم: با توجه به ضرورت و اهمیت رابطه ما بین مفاهیمی مانند دولت، حاکمیت، امنیت و سایر مفاهیم مرتبط با آسیب‌های اجتماعی، بحران‌ها و نقشی که این مفاهیم در درک بهتر شکست‌های دولت ایفا می‌کنند، لازم است هر کدام به اختصار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱. دولت به عنوان نهاد سیاسی: شأن سیاسی حکومت یا سیاسی‌بودن نهاد حکومتی به این معناست که این نهاد به سیاست و مسائل سیاسی می‌پردازد. نزدیک‌شدن به سیاست، مقابله با قدرت است. بنابراین اگر تمایز بین نهادهای سیاسی و سایرین سیاسی‌بودن به معنای پرداختن به سیاست است و سیاست، یعنی برخورد با قدرت، پس نهاد حکومت باید سیاسی باشد. بیاموزید قدرت چیست و رابطه آن با دولت را درک کنید. در آسان‌ترین تعریف می‌توان گفت قدرت توانایی برخی در نادیده‌گرفتن یا پایمال کردن اهداف و منافع دیگران است، این توانایی از طریق دسترسی به منابع و امکانات

بدرشدن وضعیت و یا مقطع حیاتی نیز تعریف کردند. بحران شرایطی غیر عادی است که در آن مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر پدید می‌آید که به تصمیم‌گیری فوری نیاز دارد و در چنین شرایطی ضوابط هنجارها و قوانین مرسوم دیگر کارساز نیست، هنگام مواجهه با چنین وضعیتی نمی‌توان مطمئن بود که وضعیت مذکور یک محدودیت تهدید محسوب می‌شود با یک موقعیت با وقوع بحران واکنش‌های روانی متعددی رخ می‌دهد که عبارتند از ناباوری وحشت، قبول شکست، قضاوت‌های غلط، اقدامات غیر منتظره، کوتاه‌نظری، هیجان زیاد و مقصردانستن این و آن (۳).

۱-۳-۱. بحران اجتماعی: بحران‌های اجتماعی و تهدیدهای اجتماعی می‌توانند جنبه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی داشته باشند و معمولاً وقتی این بحران‌ها تعادل و امنیت اجتماعی یا نظام قدرت را در معرض تهدید قرار می‌دهند، به نحوی که واکنش‌های غیر عادی نظامی پرخاشجویانه و خشونت‌بار ممکن می‌گردد، می‌گویند بحران اجتماعی پدید آمده است. بحران‌های اجتماعی خطرهایی هستند که تعادل امنیت و سلامت اجتماعی را به طور جدی تهدید می‌کنند، اما هم ماهیت و هم منشأ اجتماعی دارند و به صورت تعارض‌های اجتماعی ناآرامی فشارهای برهم‌زننده سیاسی، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مه‌ار برای درخواست‌های سیاسی و همانند آن ظاهر می‌شوند (۳).

۱-۴. تعریف کودک و کودکان کار: طبق ماده ۱ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، هر کس زیر ۱۸ سال سن داشته باشد، کودک محسوب می‌شود. با این حال، نگرش توافق جهانی در مورد پایان دوران کودکی انعطاف‌پذیر نیست. هدف این مقاله حمایت از آن‌ها حداقل تا سن ۱۸ سالگی و در عین حال امکان برخورداری آن‌ها از استقلال به عنوان افراد مشمول

اقتصادی، ایدئولوژیک یا فرهنگی و سیاسی است. ممکن است این امر به شکل‌گیری سه نوع قدرت اجتماعی منجر شود.

۱-۲. مفهوم حاکمیت: نخستین بار در اواخر قرن شانزدهم و با اشاره به پدیده جدید دولت سرزمینی تدوین شد. این مفهوم در قالبی حقوقی به واقعیت سیاسی آن عصر، یعنی ظهور قدرتی مرکزی که اقتدار خود را در زمینه قانونگذاری و اجرای قانون در داخل سرزمینی مشخص اعمال می‌کرد، اشاره می‌نمود. این اختیار که در آن زمان، عمدتاً به سلطانی با قدرت مطلقه تفویض شده بود، بر تمام نیروهای دیگری که در آن سرزمین بودند، برتری داشت. حاکمیت قانون بنیادی است در روابط میان حکومت‌ها تا ضمن به رسمیت‌شناختن موجودیت‌های سرزمینی شایستگی دخالت در بازی سیاسی جهانی را به آن‌ها بدهد.

ماهیت حاکمیت در رد پذیرش وجود هر قدرت مافوق نهفته است و همان‌گونه که اشاره شد، حاکمیت بالاترین مرجعی است که هیچ قدرت مافوقی را در قلمرو خود به رسمیت نشناخته و هیچ مرجع قانونی در ورای آن وجود ندارد، بدین ترتیب حاکمیت به معنای چیرگی قانونی حکومت بر «ملت» و «سرزمین» است و مفهوم اجرای قوانین حکومت برای کنترل مردم و سرزمین در محدوده جغرافیایی‌اش را می‌رساند (۲).

۱-۳. مفهوم بحران: مفهوم کلی بحران اشاره به وضعیتی دارد که در اثر بروز یک حادثه غیر مترقبه دگرگون می‌شود. این حادثه ممکن است یک رویداد بالقوه یا بالفعل باشد، بحران عبارت از وضعیتی که نظم اصلی قسمت‌های آن مختل و پایداری را برهم بزند، بحران چیزی تجلی تمام که مرتبه حالت به بی‌نظمی نیست. غافلگیری عامل در همه بحران‌هاست. بحران را یک لحظه تعیین‌کننده نقطه برگشتی برای بهتر یا

کاهش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی ناشی از حرکت‌های مذکور بود، از جمله آسیب‌های اجتماعی مهمی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت، آسیب اجتماعی خیابان است که در چهارچوب حفره اجتماعی دولت بررسی می‌شود. باید گفت آسیب‌های اجتماعی خیابانی یکی از انواع آسیب اجتماعی است که با ارزش‌ها و هنجارهای رایج و قابل قبول یک جامعه همخوانی ندارد. بنابراین نگاهی کوتاه به برخی تعاریف این‌گونه از آسیب‌های اجتماعی می‌اندازیم.

۱-۱-۲. **کودکان خیابانی:** کودکان خیابانی (Street Children) بخشی از گروه بزرگ‌تر کودکان در وضعیت دشوار یا کودکان آسیب‌پذیر شهری هستند که ساعات طولانی از شبانه‌روز و گاه تمام آن را به صورت موقت ناپایدار و یا دائمی (مستمر) و برای مدتی نامعلوم خارج از نهادهای اجتماعی - حمایتی معمول مانند خانواده و مدرسه و به قصد و انگیزه کار و یا دوری از خانواده در خیابان به سر می‌برند (۴).

۱-۲-۲. **بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی:** تعاریف حداقلی صرفاً افرادی را دربر می‌گیرند که شب‌ها را در خیابان می‌گذرانند، اما تعاریف حداکثری هر وضعیت بی‌ثبات مسکن برای یک فرد را بی‌خانمانی به حساب می‌آورند. عبارت بی‌خانمانی عمدتاً در خصوص کسانی به کار می‌رود که شب‌ها را در فضاهای عمومی مانند پیاده‌روها پارک‌ها یا زیر پل‌ها سپری می‌کنند و یا ساکن گرمخانه‌ها و مراکز نگهداری دولتی و یا خصوصی هستند (۵).

همانطور که گفته شد، حفره‌های اجتماعی آسیب‌هایی هستند که به صورت سازمان‌یافته یا در سطح وسیع‌تر، حوزه‌های مختلف اجتماعی جامعه را به چالش می‌کشند. این حفره‌ها با وجود یکسان نبودن آن‌ها در همه جوامع و در واقع در همه دولت‌ها قابل مشاهده است و دولت‌های کمی از وجود آن‌ها مصون هستند. گستره وسیع این

قوانین کشورشان است. قرارداد از آنجایی که سندی جدایی‌ناپذیر است، باید کلیه مواد آن به ویژه اصول کلی آن نسبت به سایر مواد مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، در تعیین حداقل سن نباید تبعیض وجود داشته باشد و منافع کودک به عنوان نکته اصلی در نظر گرفته شود، حداکثر بقا و رشد کودک تضمین شده است.

پدیده کار کودک در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک معضل اجتماعی شناخته شده است و هنوز تعریف واحدی وجود ندارد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که با توجه به ارزش‌ها و شرایط فرهنگی کشورهای مختلف، این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. چندین اصطلاح مختلف در زمینه کار کودک در ادبیات مربوط به این موضوع و تحقیقاتی که در سطح بین‌المللی در کشورهای مختلف انجام شده است، وجود دارند.

با بررسی تعریف و تفسیر حفره‌های دولتی ارائه شده در مطالب قبل و همچنین مثال‌های ارائه شده، اکنون به این نتیجه رسیده‌ایم که تقریباً همه دولت‌ها برای رفع حفره‌های اجتماعی تلاش می‌کنند و تعداد کمی از دولت‌ها آزادانه عمل می‌کنند. مشکلات اجتماعی تهدیدی برای قدرت دولت برای امنیت است. مجرمان عامل ایجاد حفره‌های اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هستند.

۲. تبیین حفره‌های اجتماعی دولت

۱-۲-۱. **آسیب اجتماعی به عنوان بخش مهمی از حفره‌های اجتماعی:** یکی از پرسش‌های مهمی که همواره ذهن جامعه‌شناسان، اندیشمندان و برنامه‌ریزان اجتماعی را به خود مشغول کرده است، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تغییرات سریع در جوامع بشری است. سیاست اجتماعی و جامعه‌شناسی از آغاز خود به دنبال درک مکانیسم تغییر اجتماعی بوده‌اند و فرآیندهای تحول را تشخیص دهند. هدف کنترل و

درآمد می‌شود، تبدیل به فرهنگ می‌شود و یکی از عوامل ناراحتی خانواده‌ها و همچنین کودکان است.

۲-۵. تکدی‌گری به عنوان نمایی روشن از آسیب اجتماعی: اغلب پدیده‌های اجتماعی در مورد تعریف از تکدی‌گری و متکدی اتفاق نظری وجود ندارد و اندیشمندان و محققان هر یک از دید خود به تعریف از آن دست زده‌اند. گیل‌مور (Gilmour) تکدی‌گری را یک فعالیت سازمان‌یافته می‌داند که فرد در آن تکدی‌گری را به کارکردن ترجیح می‌دهد، هرچند که توانایی کارکردن را دارد (۱، ۶). پیداست که این تعریف با استفاده از مفهوم ترجیح و انتخاب نقش خود فرد در روی آوردن به این کار را پررنگ‌تر از منشأ ساختاری و بیرون از فرد می‌داند. در تعریف دیگری از تکدی‌گری عملی آمده که شخص متکدی بدون داشتن استحقاق و شایستگی واقعی مقداری وجه و یا کمک غیر نقدی از دیگری تقاضا می‌کند و روش آنان مبتنی بر جلب محبت مردم و تحت پوشش اعمالی چون فروشندگی دست‌فروشی و... است (۷-۶).

پدیده تکدی‌گری یکی از کهن‌ترین معضلات اجتماعی جوامع به شمار می‌رود که شکل آن بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمانه دستخوش تغییرات روزافزونی شده است. اگر زمانی از کارافتادگی و ناتوانی رقت‌انگیزترین انگیزه ممکن برای خیرین برای پرداخت بیشتر بود، امروزه از درخواست‌های خلاقانه‌تر و روش‌های جدید به همین منظور استفاده می‌شود تا روز به روز درآمد متکدیان افزایش یابد.

در این راستا، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت این است که چگونه ادارات مختلف را تشویق کند که به جای پیگیری اهداف و وظایف خود، به سمت کار گروهی و بین‌بخشی حرکت کنند. پیدا کردن وزارتخانه‌هایی مانند تعاونی کار و اغلب دشوار است. او خدمات صحتی را

حفره‌ها باعث می‌شود در ابعاد مختلف قابل مشاهده باشند.

۲-۲. بحران‌های اجتماعی ایران: گفته می‌شود هنگامی که ظرفیت‌های عمومی یک نظام مثل تکنولوژی ظرفیت فرهنگی منابع انسانی، ساختارهای مسوول ایدئولوژی مؤثر میزان انعطاف و پاسخگویی از ظرفیت تخریب، آسیب‌پذیری، نقطه ضعف میزان دخالت متغیرهای بیرونی و حجم بحران‌های بالقوه کمتر باشد، با یک بحران سروکار داریم. مک‌کارتی (McCarthy) معتقد است بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده‌اند. بحران‌ها در سطوح خرد و کلان روی می‌دهند. در سطح کلان بحران‌ها شامل نزاع میان دولت‌ها و سطح خرد بحران‌ها با نزاع میان گروه‌ها یا عاملان درمی‌گیرد.

۲-۳. نقش خانواده در پیدایش بزهکاری: تمام تحقیقات عمده در زمینه بزهکاری نشان داده است که بین بی‌ثباتی شرایط زندگی و محیط خانوادگی نوجوانان و جوانان بزهکار رابطه نزدیک وجود دارد. تحقیقات و شواهد زیادی نشان می‌دهد که در پشت بسیاری از بزهکاری‌ها، یک خانواده ناسالم و ازهم‌گسیخته نهفته است. شکی نیست که خانواده اولین پایه شخصیت هر فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و زندگی آینده دارد و اخلاق و سلامت روانی انسان تا حد زیادی به آن بستگی دارد، زیرا فرد پس از تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد.

۲-۴. نقش عوامل اقتصادی در پیدایش بزهکاری: امروزه با توجه به تحقیقات متعدد در این زمینه می‌توان گفت که بین انواع خاصی از اختلاس‌ها و وضعیت اقتصادی افراد رابطه وجود دارد. فقر خانواده‌های فقیر را از فرصت‌های برابر برای تحصیل، کار و شکوفایی استعدادهایشان محروم می‌کند و منجر به تفاوت در سطح

۳-۱-۲. عوامل مؤثر در شکل‌گیری کودکان کار: به طور کلی چهار عامل در ایجاد مشکلات اجتماعی مؤثر است. عوامل اقتصادی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، شکاف طبقاتی قابل توجه در جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت و... می‌باشد.

با توجه به تأثیر این عوامل در ایجاد پدیده کار کودکان در کشور ما، نشان داده شده است که چهار عامل مؤثر بوده است، اما عوامل اقتصادی و سپس عوامل خانواده به ویژه رفتار نامناسب با کودکان نقش مؤثری در ایجاد این پدیده دارند. این پدیده پدیده اکثریت کودکان کار برای کسب درآمد و کمک به خیابان‌ها می‌آیند. تأثیر فقر در پیدایش این پدیده نکته مهمی است که در انتخاب راهکارهای مناسب برای کاهش این پدیده باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱-۳. فقر از عوامل مهم خیابانی شدن کودکان کار: بسیاری از کارشناسان دلیل اصلی کار بیشتر کودکان در خیابان را مشکل اقتصادی می‌دانند، اعتقاد این گروه از کارشناسان این است که دلیل اصلی حضور کودکان در خیابان، کار و کسب درآمد است.

لاسک (Lask) نیز در مطالعه‌ای که در خصوص کودکان کار در کشورهای مختلف آمریکای لاتین، از جمله برزیل، کلمبیا، اکوادور و پرو انجام داد، در مصاحبه با صدها کودک کار بارها این مفهوم را از کودکان شنید که آنان برای کار کردن و پول درآوردن در خیابان هستند، چراکه خانواده پول کافی ندارد (۱۰).

دیدگاه دیگر، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است که در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به ازهم‌گسیختگی، ضعف تناقض و ناکارآمدی قواعد هنجارها و ساخت‌های اجتماعی منجر می‌شوند. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی نقش عوامل ساختاری را که مانع انطباق و سازگاری گروه‌ها و قشرهای اجتماعی یا

متقاعد کرد که می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از جرم و امنیت جامعه ایفا کنند.

۳. داده‌های منتهی به نتیجه

۳-۱. شبکه‌های کودکان کار: مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع جوامع انسانی از موضوع‌های مهمی هستند که همواره ذهن جامعه‌شناسان و اندیشمندان را به خود مشغول داشته‌اند، تحولات اجتماعی شتابان همچون رشد سریع جمعیت رشد سریع صنعتی شدن و شهرنشینی جا به جایی توده‌های سریع و مهاجرت به شهرهای بزرگ و حاشیه‌نشینی اطراف کلان شهرها افزایش نابرابری‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی در کلان‌شهرها دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده فروپاشی الگوها و هنجارهای سنتی رفتار و افزایش تنش‌های اجتماعی پیامدهای اجتماعی ناگواری را در زندگی شهری جوامع رقم زده‌اند، یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در جوامع امروزی کودکان و نوجوانان هستند (۲). ورود کودکان به خیابان بیشتر معلول شرایط نامطلوب کودکان در خانواده‌های نابسامان و ازهم‌گسیخته، آزار کودک در خانواده و فرار از خانه شمرده می‌شود (۸) و در پاره‌ای موارد خیابانی شدن کودکان را پیامد فقر و ناتوانی خانواده‌های کودکان در تأمین هزینه‌های زندگی و کودکان خیابانی را بخشی از کودکان کار دانسته‌اند (۹).

۳-۱-۱. اهمیت کار کودکان: کار کودک یک نگرانی بین‌المللی است که تأثیر منفی بر سلامت پیشرفت تحصیلی و کیفیت زندگی کودکان دارد و به عنوان هر نوع فعالیت اقتصادی تعریف می‌شود که یا با دستمزد بدون دستمزد و یا استثماری به وسیله کودکان کمتر از ۱۸ سال انجام می‌شود و هیچ منفعتی برای کودک نداشته و برای رشد جسمانی روانی، اجتماعی تحصیلی و اخلاقی کودک مضر است.

خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرهای اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند را بررسی می‌کند. طبق این نظریه می‌توان فرض کرد که کودکان کار انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قشرهای تهی‌دست و آسیب‌پذیر است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحول‌های اجتماعی با شرایط موجود انطباق یابند (۲). نظریه فرهنگ فقر یکی دیگر از نظریاتی است که در حوزه کودکان کار مطرح می‌شود. بر اساس این دیدگاه بسیاری از افراد فقیر فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقرند و در نتیجه آنان قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی برای بهبود وضع خود سود جویند.

۲-۳. فرجام کودکان کار: اگر تکدی‌گری و ولگردی را دو روی یک سکه و از مظاهر پدیده کار کودکان بدانیم، شاید بتوان گفت که گدایی و ولگردی به تاریخ شهرنشینی برمی‌گردد، با انقلاب صنعتی قرن هجدهم، هجوم مردم به شهرها برای کار در کارخانه‌ها و کسب درآمد بیشتر. این امر با به حاشیه‌راندن برخی از افراد جامعه که بیکار ماندند و یا به دلیل علاقه یا نداشتن مهارت و درآمد کافی در قالب تکدی‌گری، رشد و توسعه پیدا کردند، آغاز شد، مثل قارچ در شهرها.

۱-۲-۳. اثرات زندگی در خیابان بر کودکان کار: این اثرات شامل:

- ۱- خطرات بهداشتی و دچار شدن به انواع بیماری‌ها؛
- ۲- محروم شدن از تربیت و آموزش و پرورش؛
- ۳- مورد سوءاستفاده و آزار جنسی جسمی و عاطفی قرار گرفتن؛
- ۴- دچار از خود بیگانگی شدن؛
- ۵- عدم رشد و تکامل روانی - عاطفی؛
- ۶- خطرات و حوادث ناشی از زندگی در خیابان مانند تصادف؛
- ۷- محروم شدن از کسب مهارت‌های زندگی؛

- ۸- پرداختن به تکدی‌گری؛
- ۹- گرفتار شدن در باندهای قاچاق و تبهکار؛
- ۱۰- مورد بهره‌کشی اقتصادی قرار گرفتن؛
- ۱۱- خطر پرداختن به اعمال مجرمانه (۱۱).
- ۲-۲-۳. مشکلات رفتاری:** این مشکلات شامل:
 - ۱- اضطراب جدایی؛
 - ۲- گوشه‌گیری؛
 - ۳- پرخاشگری؛
 - ۴- اختلالات خواب؛
 - ۵- تعاملات اجتماعی ضعیف؛
 - ۶- تأخیر در تحول حرکتی.

با توجه به اهمیت رشد فکری، اجتماعی و عاطفی کودک، باید محیط مناسبی برای تسهیل مراحل رشد ایجاد کرد. با توجه به مستندات ذکر شده، باید اذعان داشت که پدیده کودکان کار که هر روز بر جمعیت آن افزوده می‌شود، نیازمند بازنگری در راهبردهای مورد استفاده در این حوزه است، زیرا این کودکان به دلیل پیامدهای این پدیده که شامل بزهکاری، سرقت، اختلالات شخصیتی و... می‌شود. بنابراین تلاش برای درک بهتر وضعیت این کودکان ضروری است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در این مقاله مشاهده می‌شود، با معرفی مفاهیمی مانند دولت، بحران مرکزی و حاکمیت، به این نتیجه رسیده‌ایم که اگرچه این موارد برای روشن شدن مفهوم معضلات دولت مفید است. آن‌ها ممکن است راهنمایان خوبی باشند، اما هیچ کدام معنای واقعی ایرادات دولت را آشکار نمی‌کنند. نتیجه به دست آمده از بررسی مشکلات اجتماعی دولت با رویکرد کودکان کار نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در ایجاد آرامش روانی شهروندان و لزوم توجه بیشتر به آن و اتخاذ مناسب

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

اجتماعی است سیاست‌ها و نقش سایر نهادها را توزیع کند، حال مطالعات نشان داده است که جمعیت کودکان در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است و توسعه شهرنشینی نیز نیازمند امکانات آموزشی، بهداشتی و اجتماعی برای کودکان است، با توجه به اهمیت رشد فکری، اجتماعی و عاطفی کودک، باید محیط مناسبی برای تسهیل مراحل رشد ایجاد کرد. با توجه به مستندات ذکر شده، باید اذعان داشت که پدیده کودکان کار که هر روز بر جمعیت آن افزوده می‌شود، نیازمند بازنگری در راهبردهای مورد استفاده در این حوزه است. پس از بررسی‌ها مشخص شد که با وجود آسیب‌های اجتماعی فراوان در شهرها معضل کار کودکان یکی از آسیب‌های جدی در مشکلات دولت است. بنابراین نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و گسترش دولت است. نظارت در این حوزه به منظور کاهش روند صعودی این شرایط باید برای حل مشکلات این قشر اجتماعی ایجاد شود با تأکید بر امر پیشگیری به منظور جلوگیری از باز تولید کودکان کار راه حل‌های بلندمدت در سطح کلان شامل کاهش فقر، رفاه و عدالت اجتماعی و کاهش تبعیض طبقاتی است، به عامل مؤثر فقر در ایجاد پدیده کودکان کار توجه بشود، برای تغییر نگرش نامطلوب نسبت به فرزندان و بازسازی به آموزش عمومی به ویژه به والدین توجه شود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Sheikhavandi D. Sociology of deviance and societal problems of Iran. Mashhad: Merendiz Publications; 2000. p.18, 54. [Persian]
2. Mojtahedzadeh P. political geography and geopolitics. Tehran: Samt Publications; 2002. p.120. [Persian]
3. Qadiri M. Vulnerability to crisis is a problem of or for society. Tehran: 2nd International Conference on Integrated Natural Disaster Management; 2006. p.20, 24. [Persian]
4. Hosseini SH. The situation of street child laborers in Iran. Refah J. 2006; 5(19): 155-174. [Persian]
5. Sedigh Sarvestani R. Sociolgy of Deviance: Social Pathology. Tehran: Tehran University Publications; 2004. p.57. [Persian]
6. Fathi SH, Abbasi AR. (2001). A study of the characteristics of beggars in Tehran. Tehran: Political and Security Deputy of Tehran Governorate; 2001. p.15-16. [Persian]
7. Montazer Qaem M. Begging in Iran. Tehran: Salman; 2007. p.17. [Persian]
8. Pourkazemi SH. Investigating the situation of street children, causes and solutions. Journal of Reform and Education. 2009; 7(78): 7-10. [Persian]
9. Vaez Mahdavi MR. (2008), Finally, Street Children in the Draft of the Ministry of Welfare. Rah Mardom Newspaper. 2009; 33. [Persian]
10. Vamaghi M, Rafiei H, Sajjadi H, Rashidian A. Systematic review of studies on street children in the last decade in Iran: related family factors and consequences of children becoming street children. Social Priblems of Iran. 2011; 2(1): 136-165. [Persian]
11. Maleki H. Street children and adolescents. Tehran: Aizh; 2006. p.52. [Persian]